



یادداشت

شورای عالی کار در مورد دستمزد معجزه نخواهد کرد

صادق کار



در خبرها آماده بود که جلسه شورای عالی کار قرار است در روز شنبه ۲۸ شهریور برای بررسی و تصمیم گیری در مورد افزایش دستمزد کارگران تشکیل شود.

تشکیل جلسه این شورا در شرایطی صورت می گیرد که نرخ تورم و قیمت کالاها و هزینه های زندگی نسبت به فروردین رکورد بیسابقه ای از خود بجا گذاشته و تورم مواد غذایی و سایر کالاهای اساسی سه رقمی شده است.

به گفته کارشناسان و مطلعین اقتصادی و سیاسی چنین نرخ تورمی در تاریخ کشور سابقه نداشته است. تقاضا برای افزایش دستمزدها و مستمری های بازنشستگی مدتهاست که به مطالبه نخست کارگران و کارکنان و کارمندان موسسات خصوصی و دولتی تبدیل شده است و روزی نیست که چند مورد اعتصاب و اعتراض با خواست افزایش دستمزد و حقوق بوقوع نپیوندد.

با این همه دولت و کارفرمایان تا کنون به این درخواستها جواب رد داده اند و بجای افزایش دستمزد و حقوق با قطع مزایای جنبی مزدی در واقع قدرت خرید کارگران، کارمندان و بازنشستگان را در شرایطی که روند پر شتاب افزایش تورم و هزینه ها روز به روز بیشتر شده و می شود، کاهش داده اند.

خیلی ها امید دارند که با تشکیل جلسه شورای عالی کار که مرجع قانونی تصمیم گیرنده در مورد دستمزدها بر اساس تورم و هزینه های زندگی است، در جلسه روز ۲۸ شهریور با افزایش دستمزدها موافقت شود. با این وصف رفتار و موضع گیری های منفی مقامات دولتی و کارفرمایی در ماه های اخیر راجع به مطالبه افزایش دستمزد جایی زیادی برای خوشبینی باقی نمی گذارد.

در شرایطی که هزینه های حداقلی خانوار طبق برآوردهای محافظه کارانه در کلان شهرها به ۹۰ میلیون تومان و در شهرهای متوسط به پایین به ۷۰ میلیون تومان رسیده است، دولت حتی تاکنون از افزایش ارزش کالا برگ که بقول یکی از فعالین تشکل های حکومتی ارزش آن کفاف بیشتر از نیم کیلو گوشت را هم نمی دهد، نشده است و به بهانه نداشتن بودجه از افزایش ارزش کالا برگ طفره رفته است. با این حساب بعید



است شورای عالی کار که ماهیتی کاملاً دولتی و کارفرمایی دارد با افزایش معنی دار دستمزدها موافقت کند. کما اینکه برخی مقامات اقتصادی برای رد تقاضای افزایش دستمزد مدعی شدند که نرخ تورم در حال کاهش است و در همان حال با وجود اینکه می دانند افزایش قیمت بنزین باعث جهش تورم و رکود اقتصادی و بیکاری خواهد شد آن را صد درصد افزایش دادند.

دولت با افزایش قیمت کالاها و خدماتی که روی آنها کنترل دارد، درآمد خود را بدون توجه به بلاهایی که بر سر مردم می آورد مرتباً افزایش می دهد و کارفرمایان نیز تورم و گرانی را روی کالاها و خدمات خود منظور می کنند، اما وقتی بحث افزایش دستمزد و معیشت کارگر و بازنشسته پیش می آید از افزایش دستمزد مطابق قانون طفره می روند.

در واقع یک نوع تبانی میان کارفرمایان و حکومت در طول چند دهه گذشته در ارتباط با موضوع حقوق و دستمزد برقرار بوده است که مزدگیران قربانی اصلی آن بوده اند. گویی تامین معیشت عموم مردم و انانی که چرخ اقتصاد کشور را می چرخانند وظیفه قانونی حاکمان نیست. متأسفانه اکنون قضیه دیگر صرفاً بحث تامین معیشت نیست. اکنون محرومیت فرزندان طبقه کارگر از مدرسه و آموزش، بازنشستگان از دسترسی به دارو و درمان، محرومیت طبقه کارگر از مسکن و فقر روز افزون نیز به آن اضافه شده است.

ر مقابل به قیمت این فقر و بدبختی و طبقاتی شدن همه چیز در حکومت مدعیان مستضعفان، یک طبقه کم شماری بوجود آمده که اهرمهای کنترل انحصاری همه ی قدرت و ثروت را بدست گرفته و با بیرحمی و خشونت از ثروت و قدرت انحصاری خود هراس می کند و خود را مالک سرنوشت مردم و کشور می پندارد.

با این اوصاف این بار نیز حداقل بر اساس تجربه نباید انتظار معجزه از شورای حکومتی عالی کار را داشت. همان گونه که هر هفته به درستی کارگران، بازنشستگان، پرستاران، معلمان در تظاهرات همه روزه خود در کف خیابان های شهرهای مختلف فریاد می زنند و همکاران شان را به مشارکت در تظاهرات دعوت می کنند رفاه و آزادی در کف خیابان با حضور گسترده زحمتکشان به دست آمدنی است نه در جلسات نهادهایی مانند شورای عالی کار. اگر چیزی هم از درون این شورا بیرون بیاید غیر از این نیست که از نتایج همین حضور خیابانی است. و ما اضافه می کنیم حضور خیابانی می تواند بسیار موثرتر باشد، هرگاه خود را به صورت اتحادیه و تشکلهای مستقل باز بنماید و با اعتراضات جنبش های اجتماعی دیگر گروه های اجتماعی پیوند بر قرار نماید و برای رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی و آزادی معلمان و کارگران زندانی و بدست آوردن حق تشکل جنبشی همچون زن، زندگی، آزادی را خلق کند

متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

همه با هم برای پایان دادن به جنگ، برقراری صلح، رفاه و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!



بی ثباتان - بخش هشتم

گای استندینگ

تعریف پریکاریا - ادامه

درست نیست پریکاریا را با "شاغلان تهیدست" یا صرفاً با اشتغال ناامن یکی بدانیم، هرچند که این اشکال با هم و با بی‌ثباتی مرتبط اند. بی‌ثباتی همچنین به معنای فقدان هویت شغلی امن و باثبات است، در حالی که برخی کارگران در مشاغل کم درآمد ممکن است در حال ساختن یک مسیر شغلی باشند. برخی مفسران این مفهوم را به نداشتن کنترل بر کار خود مرتبط کرده اند. این موضوع پیچیده است، زیرا فرد ممکن است بر جنبه های گوناگونی از کار و اشتغال خود کنترل داشته باشد؛ از جمله بر پرورش و به کارگیری مهارتها، میزان زمانی که باید صرف کار کند، زمانبندی کار و اشتغال، شدت کار، تجهیزات، مواد اولیه و غیره. همچنین انواع مختلفی از کنترل و کنترل کننده وجود دارد و تنها سرپرست یا مدیری که به طور معمول بالای سر کارگر ایستاده است، کنترل کننده نیست.

این ادعا که "پریکاریای ناپایدار" از افرادی تشکیل شده است که هیچ کنترلی بر نیروی کار یا کار خود ندارند، بیش از حد محدودکننده خواهد بود؛ زیرا همواره نوعی دوگانگی و چانه زنی ضمنی بر سر میزان تلاش، همکاری و به کارگیری مهارتها وجود دارد و همچنین امکان اقداماتی مانند خرابکاری، کمکاری و وقت گذرانی یا کارهای بیهوده نیز هست. بااینحال، جنبه های مربوط به کنترل، برای ارزیابی وضعیت دشوار آنان اهمیت دارند.

شاید خط تمایز به همان اندازه جالب دیگری را بتوان در چیزی یافت که می توان آن را "ناهمخوانی منزلتی" نامید. افرادی که از سطح نسبتاً بالایی از تحصیلات رسمی برخوردارند، اما ناچارند مشاغلی را بپذیرند که از نظر منزلت یا درآمد پائینتر از آن چیزی است که به باور خودشان با مدارک و

وجوه امنیت نیروی کار در چارچوب "شهروندی صنعتی" (کلاسیک)

امنیت بازار کار - وجود فرصتهای کافی برای کسب درآمد مناسب. در سطح کلان این امنیت با تعهد دولت به "اشتغال کامل" نمود مییابد؛ امنیت اشتغال -

حمایت در برابر اخراج خودسرانه، وجود مقررات درباره استخدام و اخراج، تحمیل هزینه بر کارفرمایان در صورت رعایت نکردن مقررات و مانند آن؛

امنیت شغلی - توانایی و فرصت حفظ جایگاه و حوزه کاری خود در بازار اشتغال، همراه با موانعی در برابر تنزل مهارتها و برخورداری از فرصت برای تحرک "رو به بالا" از نظر منزلت و درآمد؛

امنیت کار - حمایت در برابر حوادث و بیماریهای ناشی از کار، برای مثال از طریق مقررات ایمنی و بهداشت، محدودیت ساعات کار، محدودیت ساعات نامتعارف، ممنوعیت کار شبانه زنان، و نیز جبران خسارت در صورت بروز حوادث؛

امنیت بازتولید مهارت - برخورداری از فرصت کسب مهارت، از طریق کارآموزی، آموزش ضمن کار و مانند آن، و همچنین فرصت به کارگیری شایستگیها و توانمندیهای حرفه ای.

امنیت درآمد - تضمین درآمدی کافی و باثبات که برای مثال از طریق سازوکارهای تعیین حداقل دستمزد، شاخص بندی دستمزدها، نظام جامع تأمین اجتماعی و مالیات تصاعدی برای کاهش نابرابری و تکمیل درآمدهای پائین مورد حمایت قرار گیرد؛

امنیت نمایندگی - برخورداری از صدای جمعی در بازار کار، برای مثال از طریق اتحادیههای کارگری مستقل، همراه



صلاحیت‌هایشان تناسب دارد، احتمالاً دچار سرخوردگی منزلتی می‌شوند. این احساس در میان جوانان پریکاریای ناپایدار در ژاپن رواج داشته است.

برای مقصود ما، پریکاریای ناپایدار شامل افرادی است که فاقد هفت وجه فوق‌الذکر امنیت مرتبط با کار اند که در کادر بالا خلاصه شده‌اند: همان هفت نوع امنیتی که سوسیال دموکرات‌ها، احزاب کارگر و اتحادیه‌های کارگری پس از جنگ جهانی دوم، در چارچوب دستورکار "شهروندی صنعتی" خود برای طبقه کارگر یا پرولتاریای صنعتی دنبال می‌کردند. البته همه کسانی که در زمره پریکاریای ناپایدار قرار می‌گیرند، لزوماً برای هر هفت شکل امنیت ارزش یکسانی قائل نیستند، اما آنان از همه جهت در وضعیت نامساعدی قرار دارند.

در بحث‌های مربوط به ناامنی کار در دوران معاصر، بیشترین توجه به ناامنی اشتغال معطوف است؛ یعنی فقدان قراردادهای بلندمدت و نبود حمایت در برابر از دست دادن شغل. این امر قابل درک است. بااینحال، ناامنی شغلی نیز یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده این وضعیت است.

از مبارزه کارگران پیمانی برای لغو کار پیمانی و برچیدن قراردادهای موقت حمایت کنیم!

بیمه و حقوق هنگام بیکاری برای همه ی کارگران!

تبارشناسی تاریخی مبارزات و سازمان‌یابی نیروی کار در ایران از اصناف قاجاری تا جنبش کارگری مدرن - فصل دوم - قسمت سوم

بهروز فدایی



بررسی روند دوره پهلوی اول - از مشروطه تا شهریور ۱۳۲۰

فصل دوم - قسمت سوم



بخش سیزدهم

آیا رضاشاه طبقه کارگر را ساخت؟

این پرسش پاسخ دوگانه دارد.

پاسخ اول: بله، از نظر مادی

دولت رضاشاه: کارخانه ساخت؛ راه آهن ایجاد کرد؛ صنایع جدید را توسعه داد؛ بازار داخلی را گسترش داد و نیروی کار مزدبگیر را افزایش داد.

در پایان دهه ۱۳۱۰ حدود ۴۷ تا ۴۸ هزار نفر در واحدهای صنعتی جدید و مدرن مشغول بودند.

پاسخ دوم: نه، از نظر سیاسی

همان دولت: اتحادیه مستقل را محدود کرد؛ اعتصاب را سرکوب کرد؛ فعالان کارگری را زندانی کرد؛

فعالیت کمونیستی را جرم‌انگاری کرد و شبکه‌های مستقل سیاسی را از میان برد.

بنابراین فرمول دقیق‌تر این است:

رضاشاه شرایط مادی پیدایش طبقه کارگر صنعتی را گسترش داد، اما شرایط سیاسی شکل‌گیری یک جنبش کارگری مستقل را محدود کرد.

بخش چهاردهم

کارگر، دولت و سرمایه خارجی

جنبش کارگری ایران از همان ابتدا با یک سرمایه‌داری کاملاً داخلی مواجه نبود.

سه نوع رابطه سرمایه وجود داشت:

۱. سرمایه خارجی

نمونه اصلی: صنعت نفت.

۲. سرمایه خصوصی داخلی

نمونه اصلی: بخشی از کارخانه‌های نساجی و صنایع مصرفی.

۳. سرمایه دولتی



نمونه‌ها: صنایع نظامی؛ کارخانه‌های قند؛ سیمان؛ تنباکو و پروژه‌های زیربنایی.
بنابراین کارگر ایرانی گاه با شرکت خارجی، گاه با کارفرمای خصوصی ایرانی و گاه با دولت مواجه بود.
این ویژگی بعدها ساختار جنبش کارگری ایران را از بسیاری از الگوهای کلاسیک اروپایی متمایز کرد.
بخش پانزدهم

از مطالبات کارگری به ملی‌شدن نفت
۳۵. اعتصاب آبادان و مسئله ملی
اعتصاب آبادان فقط درباره دستمزد نبود.
کارگران با یک شرکت خارجی مواجه بودند که بر یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی ایران کنترل داشت.
به همین دلیل، مبارزه اقتصادی می‌توانست به مبارزه ملی تبدیل شود.
این مسیر در دهه‌های بعد چنین شد:

شرایط بد کار
تبعیض میان ایرانی و خارجی
اعتراض به شرکت نفت
اعتراض به امتیاز نفت
ملی‌گرایی اقتصادی

ملی‌شدن نفت
این پیوند یکی از مهم‌ترین میراث‌های اعتصاب ۱۳۰۸ بود.
بخش شانزدهم

میراث دوره رضاشاه در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰
۳۶. انفجار اتحادیه‌ای



پس از ۱۳۳۰ فعالیت اتحادیه‌ای به شکل بی‌سابقه‌ای رشد کرد.

منابع تاریخ اجتماعی ایران دوره ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ را دوره اوج فعالیت اتحادیه‌ای می‌دانند و شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران، تحت رهبری رضا روستا، به یکی از مهم‌ترین سازمان‌های کارگری تبدیل شد.

این اتفاق حاصل یک «شروع از صفر» نبود.

فعالان دهه ۱۳۳۰ وارث: تجربه اتحادیه‌های ۱۳۰۰؛ حزب کمونیست؛ اعتصاب آبادان؛ اعتصاب وطن تجربه زندان و ادبیات کارگری بودند.

۳۷. نفت و دهه ۱۳۳۰

در دهه ۱۳۳۰، صنعت نفت بار دیگر در مرکز تاریخ ایران قرار گرفت.

این بار کارگران نفت فقط مطالبه‌کننده دستمزد نبودند.

آنها در کشمکش بزرگ ملی‌شدن نفت و سپس منازعات سیاسی پس از آن نقش داشتند.

از اینجا به بعد، تاریخ کارگر ایرانی دیگر فقط تاریخ «کار» نیست.

تاریخ:

کار + نفت + ملی‌گرایی + چپ + دولت + بریتانیا + شوروی

است.

بخش هفدهم

کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت سیاست کنترل

کودتای ۱۳۳۲ ساختار سیاسی جدیدی ایجاد کرد.

پس از آن، فعالیت حزب توده و بسیاری از سازمان‌های مستقل سیاسی سرکوب شد.

اما صنعتی‌شدن ادامه پیدا کرد.

این یکی از میراث‌های مهم دوره رضاشاه بود:

دولت می‌توانست صنعتی‌شدن را بدون آزادی سیاسی ادامه دهد.

این مدل در دهه‌های بعد نیز به اشکال مختلف ادامه پیدا کرد.



بخش هجدهم

از کارخانه‌های رضاشاهی تا کارگران دهه ۱۳۵۰
در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، صنعت ایران بسیار بزرگ‌تر شد.
اما بسیاری از ویژگی‌های بنیادی که در عصر رضاشاه ایجاد شده بود، پابرجا ماند:

اهمیت	نیروی اجتماعی	رویداد	سال
ورود جامعه شهری به سیاست مدرن	پیشه‌وران، تجار، روشنفکران، کارگران شهری	انقلاب مشروطه	۱۲۸۵
تجربه همبستگی صنفی - سیاسی	روزنامه‌نگاران و چاپگران	اعتصاب مطبوعات و پیوستن چاپگران	۱۹۰۷/۱۲۸۶
یکی از نخستین اتحادیه‌های کارگری	چاپگران	شکل‌گیری تشکل چاپگران تهران	۱۹۰۸/۱۲۸۷
ورود سازمان‌یافته اندیشه سوسیالیستی	روشنفکران و کارگران	فعالیت سوسیال‌دموکرات‌ها	۱۲۸۸-۱۲۸۶
تغییر محیط ژئوپلیتیک	چپ ایران	انقلاب روسیه	۱۹۱۷/۱۲۹۶
سازمان‌یابی حزبی	چپ و کارگران	تشکیل حزب کمونیست ایران	۱۹۲۰/۱۲۹۹
گسترش سازمان‌یابی صنفی	نانواها، خیاطان، کفاشان، پست و تلگراف	اتحادیه‌های تهران	۱۳۰۰-۱۲۹۹
آغاز تمرکز شدید سیاسی	دولت مرکزی	سلطنت رضاشاه	۱۳۰۴
نخستین اعتصاب بزرگ صنعتی	کارگران نفت	اعتصاب آبادان	۱۹۲۹/۱۳۰۸



۱۳۱۰	اعتصاب کارخانه وطن	کارگران نساجی	مطالبه هشت ساعت کار و حقوق کار
۱۳۱۰	قانون ضدکمونیستی	دولت و چپ	امنیتی شدن فعالیت چپ
۱۹۳۶/۱۳۱۵	مقررات کارخانه‌ها	دولت و صنعت	نخستین تنظیم گسترده‌تر شرایط کارخانه
۱۹۳۷/۱۳۱۶	دستگیری ارانی و همراهان	روشنفکران چپ	تشدید سرکوب
۱۹۳۸/۱۳۱۷	محاکمه ۵۳ نفر	چپ	ضربه به شبکه روشنفکری چپ
۱۳۲۰	سقوط رضاشاه	جامعه سیاسی و کارگری	آزادی نسبی فعالیت سیاسی
۱۳۲۰	تأسیس حزب توده	چپ و روشنفکران	بازسازی سازمان یافته چپ
۱۳۲۲-۱۳۲۰	رشد اتحادیه‌ها	کارگران صنعتی	نخستین دوره گسترده سازمان‌یابی مدرن
۱۳۲۲-۱۳۲۰	ملی شدن نفت	کارگران، ملی‌گرایان و چپ	پیوند کار و ملی‌گرایی
۱۳۲۲	کودتای ۲۸ مرداد	دولت و مخالفان	سرکوب دوباره سازمان‌یابی مستقل
۱۳۵۷	اعتصاب‌های نفت	کارگران نفت	یکی از عوامل مهم سقوط سلطنت

نقش بزرگ دولت؛ تمرکز صنایع در شهرهای بزرگ؛ اهمیت نفت؛ کارگران دولتی؛ وابستگی بخشی از اقتصاد به درآمد نفت و رابطه پیچیده میان دولت و سازمان‌یابی کارگری.

در آستانه انقلاب ۱۳۵۷، کارگران نفت، صنایع دولتی، کارخانه‌ها و خدمات عمومی به یکی از مهم‌ترین نیروهای اعتصابی تبدیل شدند.

از این منظر، اعتصاب‌های نفتی ۱۳۵۷ را نمی‌توان بدون شناخت تاریخ اعتصاب آبادان ۱۳۰۸ فهمید.



بین این دو واقعه ۴۹ سال فاصله است؛ اما یک خط تاریخی مشترک وجود دارد:

آبادان، نفت، کارگر، اعتصاب و سیاست ملی

بخش نوزدهم

جدول تفصیلی رویدادهای مهم

نقش	پایگاه اصلی	دوره	سازمان/جریان
تجربه سازمان‌یابی سیاسی	شهرها	۱۲۸۵ به بعد	انجمن‌های مشروطه
پیشگام تشکل کارگری	تهران	۱۲۸۷ به بعد	اتحادیه چاپگران
انتقال مارکسیسم و سازمان سیاسی	تهران، تبریز، قفقاز	مشروطه	سوسیال‌دموکرات‌ها
پیوند مهاجران کارگر با بلشویسم	قفقاز	پیش از ۱۹۲۰	حزب عدالت
سازمان‌دهی چپ و کارگران	شمال و شهرهای بزرگ	۱۲۹۹ به بعد	حزب کمونیست ایران
هماهنگی اتحادیه‌های اولیه	تهران	حدود ۱۳۰۰	شورای مرکزی اتحادیه‌ها
تداوم سازمان‌یابی در شرایط سرکوب	آبادان و شهرهای صنعتی	دهه ۱۳۰۰	سازمان‌های مخفی کارگری
پیوند علم، روشنفکری و مارکسیسم	تهران	دهه ۱۳۱۰	گروه ارانی
نماد مقاومت روشنفکری چپ	تهران	۱۳۱۶-۱۳۲۰	پنجاه‌وسه نفر



سازمان‌یابی گسترده چپ سراسر کشور از ۱۳۲۰ حزب توده ایران

سازمان‌دهی اتحادیه‌های مراکز صنعتی دهه ۱۳۲۰ شورای متحده مرکزی کارگری

بخش بیستم

جدول سازمان‌ها و جریان‌های مؤثر

توضیح	دوره	رقم تقریبی	شاخص
برآورد تاریخی	آغاز قرن ۲۰	حدود ۸۵۰ نفر	اشتغال در صنعت مدرن
کوچک و بزرگ	۱۹۳۱	حدود ۲۳۰	کارخانه‌های مدرن
دولتی و خصوصی	پایان دهه ۱۳۱۰	حدود ۲۶۵-۲۶۰	کارخانه‌های جدید
واحدهای صنعتی مورد بررسی	پایان دهه ۱۳۱۰	حدود ۴۷-۴۸ هزار	اشتغال صنعتی
شامل اتحادیه‌های صنفی	حدود ۱۳۰۰	حدود ۱۰ هزار	اعضای اتحادیه‌ها در تهران
برآورد منابع آن زمان	حدود ۱۳۰۰	حدود ۲۰ هزار	اعضای اتحادیه‌ها در کشور
از خزر تا خلیج فارس	۱۹۳۸	۱,۳۹۴ کیلومتر	طول راه‌آهن سراسری



بخش	مرحله نخست سرکوب	۱۹۲۹/۱۳۰۸	۴۵ نفر	بازداشت‌شدگان اعتصاب آبادان
	برآورد پژوهش‌های موجود	۱۹۳۱/۱۳۱۰	حدود ۵۰۰ نفر	کارگران اعتصاب وطن
	برآورد اقتصادی	۱۹۳۰-۱۹۴۰	۲۶۵	واحدهای صنعتی جدید
	برآورد اقتصادی	۱۹۳۰-۱۹۴۰	حدود ۴۷ هزار	کارگران این واحدها

بیست‌ویک

جدول آماری

منابع اصلی این ارقام، ایرانی‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی درباره صنعتی‌شدن و جنبش کارگری هستند. نکته روش‌شناختی: در مورد ایران دوره رضاشاه سرشماری جامع و منظم نیروی کار به شیوه امروز وجود نداشت. بنابراین ارقام کارخانه‌ها و کارگران در منابع مختلف ممکن است متفاوت باشد. همچنین «واحد صنعتی»، «کارگر صنعتی» و «عضو اتحادیه» تعاریف یکسانی ندارند. بنابراین نباید ارقام فوق را با دقت آماری سرشماری‌های معاصر مقایسه کرد.

بخش بیست‌ودوم

چند خطای رایج در روایت تاریخ کارگری دوره رضاشاه

خطای اول: «در دوره رضاشاه هیچ جنبش کارگری وجود نداشت».

نادرست است.

اعتصاب آبادان ۱۳۰۸ و اعتصاب وطن ۱۳۱۰ نشان می‌دهند که اعتراض صنعتی وجود داشت. پژوهش‌های جدید نیز بر اهمیت این دو واقعه تأکید کرده‌اند.

خطای دوم: «کارگران ایران پس از سقوط رضاشاه ناگهان به وجود آمدند».

نادرست است.

طبقه کارگر صنعتی در دهه‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ به تدریج رشد کرده بود.



خطای سوم: «هر اتحادیه دهه ۱۳۰۰ اتحادیه مدرن بود».

نادرست است.

بسیاری از تشکلهای هنوز ساختار صنفی و پیشه‌وری داشتند.

خطای چهارم: «صنعتی‌شدن رضاشاه کاملاً خصوصی بود».

نادرست است.

دولت در ایجاد، مالکیت، تأمین مالی و کنترل بسیاری از صنایع نقش اساسی داشت.

خطای پنجم: «چپ ایران کاملاً وابسته به شوروی بود».

این نیز ساده‌سازی است.

ارتباط با شوروی بسیار مهم بود، اما چپ ایران ریشه‌های اجتماعی، فکری و سازمانی داخلی نیز داشت؛ ضمن آن‌که منافع شوروی در مواردی با فعالیت انقلابی برخی کمونیست‌های ایرانی تعارض پیدا می‌کرد.

بخش بیست‌وسوم

ارزیابی نهایی: عصر رضاشاه را چگونه باید فهمید؟

رضاشاه را نمی‌توان فقط با معیار «مدرن‌سازی» ارزیابی کرد و نه فقط با معیار «استبداد».

از نظر دولت‌سازی:

دولت بسیار نیرومندتر شد.

از نظر زیرساخت:

راه، راه‌آهن، ارتباطات و صنایع توسعه یافتند.

از نظر صنعتی:

تعداد کارخانه‌ها و کارگران صنعتی به‌طور چشمگیری افزایش یافت.

اما از نظر سیاسی:

فضای فعالیت مستقل جامعه مدنی محدود شد.

و از نظر کارگری:



کارگر صنعتی رشد کرد، ولی قدرت سازمان‌یابی مستقل او سرکوب شد.

این دو فرایند نه تنها متناقض نیستند، بلکه یکدیگر را توضیح می‌دهند.

دولت برای صنعتی‌شدن به نظم، سرمایه، زیرساخت و نیروی کار منضبط نیاز داشت؛ اما همان دولت از سازمان‌یابی مستقل نیروی کار هراس داشت.

بنابراین «کارگر مطلوب» دولت رضاشاه، کارگری بود که:

کار کند، تولید کند، منظم باشد و دستمزد بگیرد؛

اما نه لزوماً کارگری که:

اتحادیه مستقل بسازد، اعتصاب کند و در سیاست دخالت کند.

بخش بیست و چهارم

نتیجه تاریخی

اگر بخواهیم تبار جنبش کارگری ایران را در یک فرمول خلاصه کنیم، می‌توان چنین نوشت:

مشروطه، زبان حق و انجمن را به جامعه داد؛ قفقاز، تجربه کارخانه و سوسیال‌دموکراسی را وارد کرد؛ انقلاب روسیه، افق سوسیالیستی و سازمان‌حزبی را گسترش داد؛ دولت رضاشاهی، از طریق صنعتی‌شدن، راه‌آهن و تمرکز اقتصادی، طبقه کارگر صنعتی را بزرگ‌تر کرد؛ اما با سرکوب اتحادیه‌ها و چپ، سازمان‌یابی مستقل آن را محدود ساخت؛ و سقوط رضاشاه در ۱۳۲۰ باعث شد نیروی اجتماعی انباشته‌شده در دو دهه قبل با سرعتی کم‌سابقه به عرصه عمومی بازگردد.

از این زاویه، دوره رضاشاه نه نقطه پایان جنبش کارگری ایران است و نه آغاز آن.

این دوره مرحله تبدیل کارگر پراکنده به طبقه اجتماعی بالقوه است.

مشروطه، سیاست جمعی را به جامعه معرفی کرد.

قفقاز، کارگر ایرانی را با صنعت و سوسیالیسم آشنا کرد.

انقلاب روسیه، افق جدیدی ایجاد کرد.

رضاشاه، صنعت و دولت مدرن متمرکز را توسعه داد.

اعتصاب آبادان، ظهور کارگر صنعتی سازمان‌یافته را آشکار کرد.



اعتصاب وطن، حقوق کار را به موضوعی عمومی تبدیل کرد.
قانون ۱۳۱۰ و سرکوب ۵۳ نفر، فضای سیاسی را بست.
و شهریور ۱۳۲۰ این سد را شکست.
از این منظر، تاریخ کارگری ایران در سال ۱۳۲۰ از نو شروع نشد؛ بلکه یک تاریخ نیمه تمام دوباره آشکار شد

**از مبارزه تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت
حمایت و برای تحقق آن مبارزه کنیم!**

**تلاش حکومت برای کاهش حقوق بازنشستگی را محکوم و از مبارزه
بازنشستگان برای افزایش حقوق حمایت کنیم!**

اظهار شرمساری شکم سیرها برای استادان دانشگاه ها نان نمی شود

صادق



تهدید استادان به تعلیق فعالیت های دانشگاهی از مهرماه در صورت اجرا نشدن کامل ترمیم حقوق، باعث نگرانی مقامات دولتی شده است. .

محمد رضا عارف پس از شکایت های مکرر استادان و هیئت های علمی دانشگاه در کشور و برگزاری چند تجمع اعتراضی مقابل دانشگاه با خواست افزایش حقوق و اعلام هیئت علمی دانشگاه شیراز به اعتصاب



بخاطر بی توجهی مسئولین و نهادهای دولتی به اعتراضات شان، با حضور در مراسم مجمع صنفی کانون استادان دانشگاه ایران که در دانشگاه تهران برگزار شد، حضور یافت و برایشان سخنرانی کرد و حرفهایی زد که برای مدعین هیچ کدامشان نا آشنا نبود. محتوای سخنرانی عارف مشابه حرفهایی خسته کننده‌ای بود که این روزها از زبان مسئولین مختلف حکومتی اینجا و آنجا گفته می شود

عارف سخنرانی خود را با اذعان به عدم تناسب بین حقوق کارکنان دولت با هزینه های سنگین زندگی آغاز نمود . خبرگزاری ایلنا از قول عارف نوشت:

"معاون اول رئیس‌جمهور با عذرخواهی از مردم و ابراز شرمندگی از اینکه دخل و خرج خانوارها، به‌ویژه حقوق‌بگیران، با یکدیگر همخوانی ندارد، گفت: نمی‌توان با تورم ۴۰ درصدی و رشد ۲۰ درصدی حقوق در دو سال گذشته، انتظار داشت مردم بتوانند زندگی خود را اداره کنند و اگر تورم امسال به بالای ۶۰ یا ۷۰ درصد برسد و افزایش حقوق ۲۰ درصد باشد، ادامه زندگی برای مردم امکان‌پذیر نخواهد بود"

پیش قاضی و معلق بازی

معاون رئیس‌جمهور که در پشت هم اندازی دست رئیس خود را از پشت بسته است از همان ابتدای سخنرانی خود بدون اینکه توجه کند در حضور افراد مطلع است که بهتر از او از آمار و ارقام اطلاع دارند، سعی کرد آمار های رسمی تورم را کمتر از آن چه که هست عنوان کند. او میزان افزایش حقوق کارکنان دولت را نیز تحریف کرد. از ۴۰ و ۲۰ درصد افزایش حقوق کارمندان در ابتدای سال جاری گفت، اما گزارشات پیشین مجلس نشان می دهد که این به اصطلاح افزایش که همان موقع هم کمتر از نرخ واقعی تورم بوده پلکانی صورت گرفته و به آنهایی که حقوق بالاتری داشته‌اند در نهایت بیش از ۲۰ درصد یعنی دستکم پنجاه درصد کمتر از نرخ تورم مهندسی شده رسمی تعلق نگرفته است.

عارف از تورم نقطه ای سه رقمی مربوط به مواد غذایی هیچ نگفت، او در سخنرانی خود از همه چیز از جنگ و فشار ناترازی، فشار خارجی تحریم و محاصره اقتصادی تا دولت نمی خواهد پول نفت و انفال را هزینه کند گفت، اما آنطور که از گزارش بر می آید از اجابت درخواست افزایش حقوق استادان خودداری کرد و معلوم نکرد که بالاخره حقوق ها را می خواهد افزایش دهد یا نه؟

در این مورد که دولت نمی خواهد پول نفت را پیشخور کند و یا از انفال بر ای افزایش حقوق برداشت کند هم دروغ گفت. پول نفتی اگر باقی مانده باشد و همدستان تراستی دولت مرحمت فرموده آن را پس بیاورند، خرج هر چیزی خواهد شد الی افزایش حقوق کارمندان و کارگران، رقم بزرگتری از پول نفت به گفته خودشان توسط تجار بزرگ به خارج رفته و نه بر گشته و نه بر خواهد گشت و اگر بغرض محال هم مبلغی از آن برگردانده شود، مگر بابک زنجانی ها مرده‌اند که بگذارند صرف حقوق کارمندان و کارگران شوند!



در مورد انفال نیز اختیارش دست دولت نیست که عارف لاف خرج نکردن آن را می زند. حالا دیگر تنها مرحوم خواجه حافظ شیرازی است که نمی داند همه ی ثروتها و درآمدهای این کشور چگونه و توسط چه کسانی غارت شده و سر از کجا درآورده است.

مگر می شود این همه ثروت غارت بشوند، اما سهمی از آن نصیب دولتمردان و آقازاده هایشان نشده باشد؟ زمانی که حقوق استادان دانشگاه ها کفاف نیازهای زندگی آنها را نمی دهد، تصورش را بکنیم وضعیت کارگران، معلمان، پرستاران و کارمندان دولت که بسیار کمتر از حقوق استادان است، چقدر باید دشوارتر باشد.

اعتصاب و اعتراض استادان البته فراتر از درخواست افزایش حقوق است. آنها که نسبت به آنچه در کشور می گذرد اشراف علمی و سیاسی دارند از فجایعی که توسط حکومت بر مردم رفته و می رود و از نقش دولتهای فاسد و مستبد که مسبب این فجایع هستند بخوبی آگاهند و فریب حرفها و توجیه های مقامات دولتی را نمی خورند. از این رو اعتصاب و ناراضیتهای آنها که به اعتراض خیابانی و اعتصاب فرا روئیده رویدادی معنی دار است که از شروع تحولات اجتماعی و سیاسی تازه خبر می دهد. تحولاتی که با حرف و اظهار شرمساری شکم سیرهایی امثال عارف که در نعمت و ثروت زندگی می کنند، قابل رفع و درمان نیست. شرمندگی عارف از این بابت درست، اما برای استادان نان و آب نمی شود

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!
کمیته های سازماندهی اعتراضات را در محل های کار و زندگی تشکیل دهیم!



محکومیت محمود صدیقی پور

در دادگاه تجدیدنظر گیلان

شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان گیلان با تایید رأی دادگاه بدوی، محمود صدیقی پور، فعال صنفی معلمان، و عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان، را با اتهام «نشر اکاذیب رایانه ای به قصد تشویش اذهان عمومی» به جریمه نقدی ۲۰ میلیون تومانی محکوم کرد.



بر اساس دادنامه صادره، دادگاه تجدیدنظر پس از بررسی پرونده و اعتراض نسبت به رأی شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو رودسر، اعتراض را وارد تشخیص نداده و با استناد به نبود دلایل و مستندات کافی، رأی محکومیت را تایید کرده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت صدور این حکم، بار دیگر تأکید می‌کند که تعقیب قضایی و پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز و صنفی، مغایر با حق آزادی بیان و فعالیت تشکلهای مستقل است. این شورا خواستار پایان دادن به امنیتی‌سازی مطالبات صنفی، توقف پرونده‌سازی علیه معلمان و جبران خسارت‌های وارد شده به فعالان صنفی در سال‌های گذشته است.



در روز جهانی دستمزد برابر، شکاف دریافتی زنان و بحران معیشت کارگران در ایران از همیشه بیشتر است
♦ امروز ۱۸ سپتامبر، روز جهانی دستمزد برابر است. اما گزارش‌ها و آمارهای مختلف از وضعیت نگران‌کننده شکاف درآمدی زنان و همچنین معیشت در جامعه کارگری ایران خبر می‌دهند.

♦ سازمان بین‌المللی کار (ILO) در بیانیه امسال خود گفت که زنان در سراسر جهان به طور میانگین ۱۸ درصد کمتر از مردان دستمزد می‌گیرند و دستیابی به اصل «دستمزد برابر در ازای کار با ارزش یکسان» همچنان با موانع ریشه‌ای روبرو است. بر اساس ارزیابی بخش زنان سازمان ملل، زنان در منطقه اروپا و آسیای میانه ماهانه ۲۰.۴ درصد کمتر از مردان درآمد دارند که ناشی از عواملی نظیر تبعیض در استخدام، کار پاره‌وقت و سهم بالاتر در مسئولیت‌های مراقبتی بدون دستمزد است.

شکاف ۲۰ تا ۳۰ درصدی دستمزد بین زنان و مردان

♦ در ایران نیز مطالعات بازار کار و پژوهش‌های داخلی از شکاف ۲۰ تا ۳۰ درصدی میان درآمد زنان و مردان حکایت دارند. گزارش حقوق و دستمزد پلتفرم کاریابی «جاب‌ویژن» در سال ۱۴۰۵، این تفاوت ۳۰ درصدی را نتیجه مجموعه‌ای از متغیرها در طول مسیر شغلی می‌داند و سهم هر عامل را تفکیک کرده است:

♦ سابقه کاری و تداوم شغلی (۵.۲ میلیون تومان): سابقه کاری بیشتر مردان، ورود زود هنگام‌تر به بازار کار، سال‌های اشتغال طولانی‌تر و وقفه‌های شغلی کمتر، سهم عمده‌ای در این فاصله دارد.



♦ **ارشدیت و جایگاه سازمانی (۳.۲ میلیون تومان):** دستیابی بیشتر مردان به موقعیت‌های مدیریتی و سرعت رشد شغلی بالاتر در مقایسه با زنان، بازتاب‌دهنده وجود سقف‌های شیشه‌ای برای پیشرفت سازمانی زنان است.

♦ **توزیع در گروه‌های شغلی (۱.۵ میلیون تومان):** تمرکز بیشتر مردان در موقعیت‌های فنی و تخصصی با سطوح درآمدی بالاتر و حضور بیشتر زنان در مشاغل با سطح درآمد متوسط، حتی در غیاب تبعیض مستقیم، این شکاف را افزایش داده است.

♦ **سایر متغیرها (۷.۴ میلیون تومان):** بزرگ‌ترین بخش این تفاوت ناشی از عواملی مانند ساعات کاری کمتر، تفاوت در قدرت چانه‌زنی هنگام پذیرش پیشنهادهای شغلی و سوگیری‌های جنسیتی است.

♦ **همچنین در بخش خصوصی و مشاغل کم‌مهارت، نابرابری دستمزد شدیدتر است.** نگاه سنتی به درآمد زنان به عنوان «کمک‌خرج» و درآمد مردان به عنوان منبع «اصلی» معیشت، به یکی از توجیه‌های پرداخت دستمزد پایین‌تر به زنان بدل شده که قراردادهای موقت و ناامنی شغلی آن را تشدید می‌کند.

اقتصاد غیررسمی و نابرابری در مزایا

♦ **بر اساس آمار موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی،** از ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار زن شاغل در کشور، نزدیک به ۵۷ درصد (بیش از دو میلیون نفر) در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند و در نتیجه از حداقل حقوق قانونی، بیمه درمانی، مرخصی‌های رسمی و مستمری بازنشستگی محروم‌اند.

♦ **در بخش رسمی نیز قوانین بر دریافتی نهایی اثر گذاشته‌اند.** به گفته زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان و خانواده رییس‌جمهور، پس از تصویب قانون جوانی جمعیت، امتیاز حق عائله‌مندی به مردان واگذار شده که عملاً تفاوت دریافتی میان زنان و مردان شاغل را افزایش داده است. اگرچه پیشنهاد بازنگری در این مقررات در کمیسیون‌های دولتی بررسی شده، اما کمبود بودجه مانع اجرای آن بوده است.

بحران معیشت کارگران و حقوق ناکافی برای هزینه‌های ضروری

♦ **در کنار نابرابری‌های مزدی جنسیتی، جامعه کارگری نیز در مقیاس کلی با کاهش کم‌سابقه قدرت خرید روبروست.** تازه‌ترین محاسبات درباره سبد معیشت خانوارهای کارگری نشان می‌دهد حداقل هزینه ماهانه زندگی یک خانواده متوسط در شهریور ۱۴۰۵ به حدود ۹۲ میلیون تومان (۹۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان) رسیده است. این رقم در اسفند سال قبل در شورای عالی کار ۴۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان تعیین شده بود.

♦ **در مقابل، دریافتی یک کارگر حداقل‌بگیر متأهل دارای یک فرزند با احتساب تمام مزایا حدود ۲۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است.** بنابراین دستمزد مصوب تنها حدود ۲۷ درصد هزینه‌های ماهانه خانوار را پوشش می‌دهد و کل درآمد کارگر تنها برای گذران حدود هشت روز از ماه کافی است.



♦ تورم شدید در بخش اقلام ضروری عامل اصلی این گسست به شمار می‌رود. با رسیدن تورم نقطه‌به‌نقطه مواد خوراکی به ۱۳۰ درصد، هزینه خوراک ماهانه یک خانواده ۳.۳ نفره به تنهایی ۴۰ میلیون تومان برآورد می‌شود که ۱۵ میلیون تومان بیش از کل درآمد ماهانه یک کارگر است. جهش ۱۵۰ درصدی قیمت برخی داروهای داخلی، افزایش چندبرابری بهای داروهای خارجی و بالا رفتن کرایه‌ها پس از تغییر قیمت سوخت نیز دسترسی به خدمات اولیه را دشوارتر کرده است.

اصل ۲۰ اتحاد بازنشستگان



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

چهار سال از قتل سبانه ژینا (مهسا) امینی گذشت. دادخواهی برای ژینا، نیکا، سارینا، حدیث، محسن و کیان‌های ایران و تمامی عزیزانی که در دی ۹۶ و ۴۰۴، آبان ۹۸ و دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد جان باختند و عمدتاً از خانواده‌های کارگری و زحمتکش بودند، ادامه خواهد داشت. مبارزه برای آزادی، برابری، عدالت و برخورداری از زندگی شایسته برای همه، به‌ویژه کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم در سراسر کشور، تا رسیدن به آزادی و عدالت، متوقف نخواهد شد.

زن_زندگی_آزادی

نان_کار_مسکن_آزادی

ژینا_امینی

نه_به_جنگ

نه_به_استبداد

چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۴ شهریور ۱۴۰۵



بیانیه ی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت چهارمین سالگرد جنبش زن، زندگی، آزادی/ ژن- ژیان-نازادی
چهار سال گذشت.

چهار سال از آن لحظه ی تلخ و تاریخی که ژینا/مهسا امینی، دختر جوان کرد ایرانی، قربانی سیاست زن ستیز و سرکوبگر حاکمیت شد؛ و جان باختن او، خشم فروخورده و مطالبه ی سرکوب شده ی میلیون ها انسان را به یکی از فراگیرترین جنبش های اجتماعی ایران معاصر بدل کرد.

جنبش زن، زندگی، آزادی تنها یک اعتراض خیابانی نبود؛ لحظه ای بنیادین در تاریخ اجتماعی و سیاسی این سرزمین بود. این جنبش بی تردید از مهم ترین و اثرگذارترین جنبش های اجتماعی تاریخ معاصر ایران است؛ جنبشی که رد آن نه فقط در روزهای اعتراض، بلکه در تغییرات پایدار زندگی روزمره، حضور اجتماعی زنان، زبان اعتراض و عقب نشینی عملی حاکمیت در مسئله کنترل پوشش دیده می شود.

چهار سال پس از آغاز این جنبش، چهره ی شهرها، خیابان ها، دانشگاه ها، مدرسه ها و حتی روستاهای ایران دگرگون شده است. حضور آزادانه تر زنان در فضای عمومی، ایستادگی روزمره آنان در برابر تحمیل و تبعیض، و تداوم مطالبه ی آزادی و برابری نشان می دهد که زن، زندگی، آزادی یک رخداد گذرا نبود؛ این جنبش افقی تازه در جامعه ایران گشود. انکار این دگرگونی، چشم بستن بر واقعیتی آشکار است.

در چهارمین سالگرد این جنبش، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، یاد و خاطره ی ژینا/مهسا امینی و همه ی جانباختگان راه آزادی را گرامی می دارد و بر حق زنان، دختران، دانش آموزان و همه شهروندان برای زندگی آزاد، برابر و انسانی تأکید می کند.

شورای هماهنگی، به عنوان نهادی صنفی و مدنی، باور دارد که رسیدن به آموزش رهایی بخش، مدرسه ی آزاد و جامعه ای عاری از بی عدالتی، بدون برابری جنسیتی، آزادی پوشش، کرامت انسانی و پایان دادن به تبعیض ممکن نیست و دفاع از حقوق معلمان، دانش آموزان و مردم ایران، از دفاع از آزادی و برابری زنان جدا نیست.

ما دستاوردهای جنبش زن، زندگی، آزادی را بخشی از حافظه ی جمعی و سرمایه ی اجتماعی مردم ایران می دانیم و پاسداشت آن را وظیفه ی همه ی نیروهای مدنی، صنفی، دادخواه و آزادی خواه می شماریم.



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در کنار زنان، دختران، دانش‌آموزان، خانواده‌های دادخواه و همه ی مردم آزادی‌خواه ایران، بر ادامه ی مسیر دفاع از آزادی، عدالت، برابری و کرامت انسانی تأکید می‌کند و به حاکمیت اعلام می‌دارد که تلاشهای عقیم این روزها که افراد و گروه‌هایی در بعضی تربیونها، حکومت را به بازگرداندن گشت ارشاد و تحمیل مجدد حجاب اجباری و انقیاد زنان تشویق می‌کنند سعی بیهوده‌ای بیش نیست و این جنبش به عقب باز نخواهد گشت.

شورای هماهنگی نیز در مسیر دفاع از مطالبات برحق زنان و مردان این سرزمین ذره ای عقب نخواهد نشست.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

۲۵/۶/۱۴۰۵



افزایش نرخ ارز و نبود تجهیزات ایمنی، حیات و سلامت کارگران معادن زغال‌سنگ را با تهدید جدی مواجه کرده است. دبیر اجرایی خانه کارگر طبس از تاثیرات مخرب گرانی دلار بر ایمنی و سلامت کارگران می‌گوید و نسبت به ادامه روند ناپایمن‌سازی هشدار می‌دهد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، حوادث کارگری در ایران، به‌ویژه در بخش‌های پرخطر و سختی چون معادن، همچنان از مسائل بغرنج و پرتکرار است. در این میان، معادن زغال‌سنگ به دلیل شرایط دشوار محیط کار و خطرات ناشی از فرایند استخراج، همواره یکی از کانون‌های مهم حوادث کار بوده‌اند. طبس نیز به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی زغال‌سنگ کشور و محل فعالیت معادن متعدد، طی سال‌های اخیر بارها شاهد حوادثی بوده که به مصدومیت و جان‌باختن کارگران انجامیده است.

افزایش نرخ ارز، تحریم‌ها و دشواری تأمین تجهیزات تخصصی، در شرایطی به یکی از چالش‌های جدی معادن زغال‌سنگ تبدیل شده است که بخش قابل‌توجهی از معادن کشور همچنان با روش‌های سنتی یا نیمه‌مکانیزه فعالیت می‌کنند؛ وضعیتی که می‌تواند ایمنی کارگران را تحت تأثیر قرار دهد



اعتراض کارگران بیکار شده فولاد شادگان با حضور فرزندان/ زنجیره معیشت خانواده از هم می‌پاشد!
کارگران بیکار شده شرکت فولاد شادگان، در تداوم اعتراضات خود برای بازگشت به کار، روز گذشته با حضور فرزندانشان در محل تجمع، خواستار رسیدگی به وضعیت بحرانی خود شدند.

به گزارش ایلنا، این اعتراضات که از پاییز ۱۴۰۴ با اخراج دسته‌جمعی کارگرانی که سال‌ها در این شرکت خدمت کرده‌اند آغاز شده، اکنون به یک بحران خانوادگی تبدیل شده است. کارگران می‌گویند با وجود ماه‌ها پیگیری، هنوز پاسخی درباره وضعیت شغلی خود دریافت نکرده‌اند و با بلاتکلیفی مواجه هستند.

در این تجمع، موضوع «حق تحصیل» به کانون توجه قرار گرفت. با نزدیک شدن به فصل بازگشایی مدارس، خانواده‌های کارگران اخراجی از فشار اقتصادی سنگینی که بر دوش آن‌هاست، سخن می‌گویند. حضور کودکان دانش آموز در میان معترضان، تصویر تلخی از آینده‌ای است که با تهدید می‌شود؛ بسیاری از این کودکان اعلام کردند که پس از اخراج پدرانشان، خانواده توان تأمین هزینه‌های اولیه مدرسه و لوازم تحصیلی را ندارند.

این وضعیت نشان می‌دهد که اخراج کارگران، تنها به معنای قطع یک درآمد ماهانه نیست، بلکه با قطع شدن این منبع درآمد، زنجیره معیشت یک خانواده از هم می‌پاشد و در نهایت، حق تحصیل و آینده تحصیلی فرزندان آن‌ها را نیز با چالش‌های جدی روبرو می‌کند.

کارگران و خانواده‌هایشان تأکید دارند که بازگشت به کار، تنها راه نجات این خانواده‌ها از فقر و حفظ حق



تحصیل کودکانشان است

بازنشسته بیداره/ از حق کشی بیزاره »
تجمع اعتراضی بازنشستگان در روز یکشنبه ۲۹ شهریورماه مقابل اداره کل تأمین اجتماعی کرمانشاه، هم‌زمان با سایر شهرها برگزار شد. معترضان با سر دادن شعارهایی، اعتراض خود را نسبت به گرانی، زورگویی، حق‌کشی و نامناسب بودن وضعیت معیشتی ابراز داشتند.



شعارهای بازنشستگان در کرمانشاه:

« ظلم و ستم فراوان/ ما رو کشاند خیابان »
« می جنگیم ، می جنگیم/ حقمان را میگیریم »
« بازنشسته بیداره/ از زورگویی بیزاره »
« غنی سازی زندگی / حق مسلم ماست »
« برق گران، دارو گران/ دولت شده دشمن جان »
« بازنشسته بیداره/ از حق کشی بیزاره »

متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomyterm/457>